



## Criticism of the Modern Skepticism Approach in the Quranic Studies of Orientalists\*

Baqir Riahi Mehr<sup>1</sup>

Zainab Tayyebi<sup>2</sup>

### Abstract

One of the topics that has attracted the attention of non-Muslim Orientalists and Quranic scholars in the field of Quranic studies is the approach of modern skepticism, so that this challenging and controversial topic has had a special reflection in the works of Orientalists. The necessity of this research indicates that the way we look at the historical validity of the sources of early Islam has a direct relationship with our perception of the quality of the origin of Islam and the Quran. It seems that this approach, like the approach of criticism of tradition, believes that traditional sources have been subject to evolution; But it denies and rejects the existence of any historical truth or core of historical reality that can express the truth of the events of the orrurance. This article seeks to explain the points of view raised in this approach with descriptive-analytical method and criticize its ojections. According to the authors, the approach of contemporary Orientalists in Quranic studies can be divided into four approaches: descriptive approach, source criticism, Sunnah criticism and skeptical approach. Considering the many criticisms directed at the skepticism approach, the present research tries to examine the historical emergence and decline of this approach by criticizing this approach.

**Keywords:** Quranic Studies of Orientalists, Modern Skepticism, Revisionism, Radical Skepticism, Method of Source Criticism.

---

\*. **Date of receiving:** 21 April 2022 ; **Date of correction:** 16 May 2022; **Date of approval:** 22 May 2022.

1. Assistant Professor of the Quran and Orientalists Department of Al-Mustafa International University, Qom, Ira: di.riahi@chmail.ir

2. Assistant Professor of Quran and Hadith Sciences, Farhangian University, Tehran, Iran (Corresponding Author)  
ztayyebi62@gmail.com



## نقد رویکرد شکاکیت نوین در مطالعات قرآنی مستشرقان\*

باقر ریاحی مهر<sup>۱</sup> و زینب طیبی<sup>۲</sup>

### چکیده

یکی از موضوعاتی که در حیطه مطالعات قرآنی، توجه مستشرقان و قرآن پژوهان غیرمسلمان را به خود معطوف کرده است، رویکرد شکاکیت نوین است، به گونه‌ای که این مبحث چالشی و بحث برانگیز در آثار خاورشناسان انعکاسی ویژه داشته است. ضرورت این پژوهش نشان می‌دهد که چگونگی نگرش به اعتبار تاریخی منابع صدر اسلام، ارتباط مستقیمی با برداشت ما از کیفیت خاستگاه اسلام و قرآن دارد. به نظر می‌رسد این رویکرد نیز مانند رویکرد نقد سنت، معتقد است که منابع سنتی در معرض تکامل بوده‌اند؛ اما وجود هرگونه حقیقت تاریخی یا هسته‌ای از واقعیت تاریخی که بتواند حقیقت حوادث واقعه را بیان کند، انکار و رد می‌کند. این نوشتار در پی آن است که با روش توصیفی - تحلیلی، دیدگاه‌های مطرح شده در این رویکرد را تبیین کند و اشکالات آن را مورد نقد و بررسی قرار دهد. به نظر نگارندگان رویکرد مستشرقان معاصر در مطالعات قرآنی را می‌توان به چهار رهیافت تقسیم‌بندی کرد: رهیافت توصیفی، نقد منبع، نقد سنت و رهیافت شکاکیت. جستار حاضر با توجه به نقدهای بسیاری که بر رویکرد شکاکیت متوجه است، درصدد است تا با نقد این رویکرد، به بررسی، ظهور و افول تاریخی این رویکرد بپردازد.

واژگان کلیدی: مطالعات قرآنی مستشرقان، شکاکیت نوین، تجدیدنظرطلبی، جریان افراطی

تشکیکی، روش نقد منبع.

\*. تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۲/۰۴؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۱/۰۲/۲۶ و تاریخ تأیید: ۱۴۰۱/۰۳/۰۸.

۱. استادیار گروه قرآن و مستشرقان جامعة المصطفی العالمية، قم، ایران؛ (di.riahi@chmail.ir).

۲. استادیار علوم قرآن و حدیث دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران [نویسنده مسئول]؛ (ztayyebi62@gmail.com).



## مقدمه

از جمله شاخه‌های اسلام پژوهی، مطالعات قرآنی است. به نظر می‌رسد مطلع قرآن پژوهی در غرب، از زمان فتح آندلس (اسپانیا) در اواخر قرن اول هجری تا اواخر قرن هشتم میلادی و زمان خلافت ولید بن عبدالملک است که مصادف با حضور چشمگیر مسلمانان در شبه جزیره اسپانیا بوده است و این دوره، ابتدای آشنایی غرب با اسلام و قرآن است. البته از ابتدا تا نیمه قرن دوازدهم میلادی، قرآن پژوهی در غرب، شکل و شمایل اجمالی داشت و بیشتر پژوهش‌های صورت گرفته در آن زمان، با محوریت نبوت پیامبر ﷺ، وحی و سایر مسائل اختلافی مابین اسلام و مسیحیت بوده است؛ اما با شروع نیمه قرن دوازدهم، شاهد قرآن پژوهی به شکل تفصیلی به صورت ترجمه و سایر آثار قرآنی هستیم. بعد از این دوره، رهیافت شکاکانه‌ای شکل گرفت که قرآن را منبعی برای بازسازی تاریخ ادبیات عرب از حدود ۸۰۰ م (نیمه دوم سده دوم) به‌شمار می‌آورد. این رهیافت به تدریج به جریانی تبدیل شد که تجدیدنظر طلبی خوانده می‌شود. این حوزه پژوهشی یکی از حوزه‌هایی است که خاورشناسان به آن اقبال بسیاری داشته‌اند، به‌گونه‌ای که پژوهش در این رویکرد در میان انواع پژوهش‌های خاورشناسان چشمگیر است. به نظر می‌رسد آنچه توجه خاورشناسان را به رویکرد شکاکیت نوین جلب کرده، نوع نگاه آنان به قرآن و مسائل مرتبط با آن است. هرچند قرآن در نگاه خاورشناسان متنی اثرگذار در تاریخ بشریت است؛ اما عمدتاً کتابی بشری و متنی تاریخی تلقی و جنبه وحیانی و قدسی آن نادیده گرفته می‌شود. از این رو، یکی از جدیدترین فعالیت‌ها و رویکردهایی که برای آنها در قبال قرآن متصور است، رویکرد شکاکیت نوین است.

مطالعه جریان شناسی مطالعات قرآنی مستشرقان نشان می‌دهد که آثار تجدیدنظر طلبانه و نزبرو و پیروانش، تأثیر عمیقی بر مطالعات قرآنی غرب داشته است و از این زمان، پرسش‌هایی از این قبیل برای محققان اروپایی مطرح شد که چگونه ممکن است پیامی خطاب به تعدادی عرب بت پرست در حجاز، طی فقط ۲۲ سال، به شکل یک دین جدید درآید؟ چگونه ممکن است یک کتاب مقدس با چنین سرعتی پس از وفات آورنده آن تثبیت شود و رسمیت پیدا کند و در همان شکل اصیل آن، تا روزگار ما باقی بماند؟

شولدر در کتاب خود که اصل آلمانی آن در ۱۹۹۶ م منتشر شد، از شکاکان و مخالفان آنها بحث کرده و آنها را شناسانده است (BergSchoeler, 2011:p 3-13). برگ از سه گروه شکاک، (Skeptical) خوشبین (Sanguine) و انتساب‌گرا (Ascripti onist) یاد می‌کند (Berg: 261,p 4). صادقی و گودرزی بر مبنای

مواجهه پژوهشگران غربی با روایات جمع قرآن، از چهار گروه نام می‌برند: سنت‌گراها، تجدیدنظرطلبان، شکاکان و نوسنت‌گراها (Neo-traditionalists) (Sadeghi/ Goudarzi, 2012:p 3 - 4). در طبقه‌بندی‌ها، دانشمندان «انتساب‌گرا» یا «سنت‌گرا» (Traditionalists) در یک‌سو و «شکاکان» یا «تجدیدنظرطلبان» (Revisionists) در سوی دیگر قرار می‌گیرند. شولر معتقد است که نتیجه کنفرانس نایمخن هلند در سال ۱۹۹۷ م، که در آن نمایندگان برجسته هر دو گروه رقیب شرکت داشتند، رسیدن به «بن‌بست» در مسئله اعتبار گزارش‌های صدر اسلام بوده است. شولر چند سال بعد در ۲۰۰۲ م، یک «راه میانه» (middle way) در میان دو گروه رقیب را مطرح کرد. این دو گروه، از یک‌سو کسانی همانند سرگین و تا حدی وات هستند که اطمینان زیادی به گزارش‌ها و منابع اسلامی دارند و از سوی دیگر، کسانی همچون ونزبرو، کوک و کرون که همه روایت سنتی اسلام را به کلی مردود می‌دانند (Schoeler, 2011:p 21 - 22). از سوی دیگر، شکاکان نوین به وجود راه میانه اعتقاد ندارند و می‌گویند که دو راه بیشتر وجود ندارد؛ شکاکیت یا خوشبینی (Motzki, 2003: 257). هربرت برگ معتقد است که نمی‌توان گفت دیدگاه کدام یک از دو رویکرد خوشبین یا شکاک درست است و نتایج هرکدام فقط برای خودشان اعتبار دارد و جستجوی راه میانه‌ای بین این دو نتیجه‌ای ندارد (Berg, 2003:p 261).

از نظر برگ، مرز میان شکاکان و خوشبین‌ها همواره روشن نیست. شکاکان شامل کسانی مانند ونزبرو می‌شوند که گاهی تجدیدنظرطلب خوانده شده‌اند. گلدتسیهر و شاخ تیز در زمره شکاکان قرار می‌گیرند. با این حال، شاید کسی بگوید که این دو معتقد بودند که برخی از احادیث اصلی‌اند، پس باید آنها را خوشبین بدانیم. این استدلال درستی نیست؛ زیرا آنها با توجه به استانداردهای روزگار خودشان، نسبت به منابع شک و تردید داشتند. مطالعات نشان می‌دهد آثار مؤلفان مختلف شکاکان نوین معمولاً در ارائه گزارش از حوادث صدر اسلام، متعارض هستند. به کار بردن تعبیر خوشبین برای عده‌ای از پژوهشگران، به این معنا نیست که آنها رویکرد منتقدانه ندارند؛ بلکه به عکس، آنها منتقد و حتی اغلب نسبت به منابع شکاکند. به نظر می‌رسد که هر چند شولر و برگ اختلاف‌های عمده‌ای با یکدیگر دارند و در دو جریان متفاوت قرار می‌گیرند، در طبقه‌بندی پژوهشگران از معیار مشترکی بهره می‌برند؛ یعنی رهیافت شکاکانه یا خوشبینانه افراد به «منابع»؛ اما آنها بر اساس نگاه خود به اعتبار منابع، در نامگذاری این رهیافت میانه متمایز می‌شوند: برگ این رهیافت را خوشبینی می‌داند و شولر راه میانه. با این توصیف، روشن می‌شود چرا برگ به شولر لقب خوشبین می‌دهد و شولر رقیب خود را شکاک می‌خواند. این اصطلاحات با رویکرد پژوهشگران اخیر نسبت به گذشتگان‌شان نیز قابل توضیح است؛ سنت‌گرایان کسانی‌اند که خط سنتی مطالعات قرآنی در اروپا، یعنی روش قرآن‌پژوهان آلمان از



گایگر، نولدکه، هورویتس، پارت تا نوپورت را دنبال می‌کنند و در مقابل، تجدیدنظر طلبان معتقدند که باید در این سنت تجدید نظر شود با شکاکان در آن تردید می‌کنند. در این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی و با رویکرد انتقادی به پرسش‌های ذیل پاسخ داده شده است:

۱- رویکرد شکاکیت نوین در مطالعات قرآنی خاورشناسان معاصر چیست؟

۲- چه اشکالاتی در رویکرد شکاکیت نوین خاورشناسان معاصر وجود دارد؟

### بررسی آرا خاورشناسان با رویکرد شکاکیت نوین

بحث رویکردهای قرآن پژوهی خاورشناسان در زیرمجموعه رویکرد کلی آنها نسبت به کل منابع اسلامی قرار می‌گیرد. در تقسیم‌بندی رویکردها، خاورشناسان نیز اختلاف نموده‌اند؛ برخی مانند یهودا نیوو (Yehuda Nevo) و خانم جودیت کورن (Judith Koren) از دو رویکرد اصلی سنتی (Traditional Approach) و تجدیدنظرطلب (Revisionist Approach) سخن گفته‌اند (Nevo, Yehuda and Koren, 1991: 87-107). فرد مک‌گرو دانه (Fred McGraw Donner) رویکردها به منابع را به چهار رویکرد تقسیم می‌کند (DONNER, FRED M, 1998: 5-25)؛ یعنی: ۱. توصیفی یا سنتی (DESCRIPTIVE APPROACH)؛ ۲. نقد منبع (SOURCE-CRITICAL APPROACH)؛ ۳. نقد سنت (TRADITION-CRITICAL APPROACH)؛ ۴. شک‌گرایانه یا تجدیدنظرطلب (The skeptical/Revisionist approach). با این وجود، رویکردهای اصلی خاورشناسان به منابع اسلامی، از جمله قرآن را می‌توان در چهار رویکرد اصلی: رویکرد جدلی - تبشیری؛ رویکرد توصیفی یا سنتی؛ رویکرد تشکیکی یا تجدیدنظرطلب؛ و رویکرد علمی - انتقادی ترسیم نمود که برای درک درست از قرآن پژوهی خاورشناسان، تبیین و تحلیل درست و دقیق هر یک از رویکردها ضروری است. از آنجا که این مقاله گنجایش تبیین و بررسی همه این رویکردها را ندارد، تنها به بررسی رویکرد تشکیکی یا تجدیدنظرطلب پرداخته شده است.

در نیمه دوم سده بیستم میلادی در غرب، رویکرد تجدیدنظر طلب (Revisionist) و یا شکاک (Sceptic) پدیدار شد. پیشوای آنها خاورشناسی به نام جان ونزبرو (John Vanbrugh) بود که در سال ۱۹۸۶ م بحث از معضل وثاقت منابع قرون نخستین اسلام را به شکل افراطی مطرح نمود و اندکی بعد در دهه ۱۹۸۰ م با انتشار آثار دیگر شکاکان افراطی همانند پاتریشیا کرونه (Patricia Crone)، مایکل کوک (Michael Cook)، و یوری روبین (Yori robin) جرالدهاوتینگ (Gerald Howting)، سلیمان بشیر (سلیمان بشیر ۱۹۹۱-۱۹۴۷)، محقق عرب دروزی فارغ‌التحصیل دانشگاه عبری اورشلیم و دانشگاه لندن که در آثارش نوعی تاریخی‌نگری نسبت به اسلام و نیز بحث اقتباس از یهودیت و مسیحیت مشاهده می‌شود. مهم‌ترین اثر وی در این زمینه کتاب ذیل است:

سليمان بشير، مقدمة في التاريخ الآخر: نحو قراءة جديدة للرواية الإسلامية، الطبعة الأولى ١٩٨٤ في القدس؛ الطبعة الثانية ٢٠١٢ في ألمانيا، منشورات الجمل.

موشه شارون (Moshe Sharon, born 1937, Haifa, Israel)؛ يهودا نيو (Yehuda Nevo)؛ خانم جوديت كُرن (Judith Koren)؛ نورمن كالدر (Norman Calder)؛ و كريستوف لوكسنبرگ (Christoph Luxenberg) تا حدودی و با فراز و نشیب‌های دیدگاهی، این راه را ادامه دادند.

جان ونزبرو با آثاری مثل «مطالعات قرآنی: منابع و روش‌های تفسیر متن مقدس» (Wansbrough, John, 1977, *Qurānic Studies: Sources and Methods of Scriptural Interpretation*)؛ که در ١٩٧٧ م توسط انتشارات آکسفورد منتشر شد و در آن منابع و روش‌های مختلف تفسیری قرآن مورد بررسی قرار گرفت و نیز «محیط فرقه‌ای: محتوا و تکوین تاریخ نجات اسلامی» (Wansbrough, John, 1978, *Sectarian Milieu: Content and Composition Of Islamic Salvation History*)؛ که در ١٩٧٨ م منتشر شد، و در واقع، ادامه دیدگاه وی در مطالعات قرآنی بود و در آن در پی نقد منابع سنتی قرآن بود (Segovia, Carlos A., 2012: xix-xxvii). گرچه این رویکرد تشکیکی افراطی، در دهه‌های پایانی سده بیستم در غرب برجسته شد. نوع شکاکیتی که ونزبرو، کرونه و کوک طرفدار آن بودند، ابتکاری نو نبود؛ بلکه در اواخر سده ١٩٧٠ م، این جریان بوجود آمد و با استدلال‌های منطقی و جدید پدیدار شد و محور بحث‌های علمی خویش قرار گرفت و دهه‌های ١٩٨٠ و ١٩٩٠ م فراگیر بیشتری یافت.

اخیراً شاهد روندی افراطی‌تر در رویکرد شکاکیت هستیم. یوزف فان اس (Josef von F.)، دیدگاه برخی از نمایندگان این دیدگاه (رویکرد شکاکیت) که اهتمام بر این مسئله داشتند که نظر خود را به عنوان تفسیری انحصاری و هوشمندانه از منابع معرفی کنند، را مورد نقد قرار داده است؛ اما بدینی افراطی نسبت به اصالت دین اسلام و قرآن کریم، در واقع تداوم نگرش‌های منفی اسلاف‌شان به اسلام و منابع اسلامی است که امروز در قالبی علمی‌تر و تخصصی‌تر ارایه می‌شود. اساس و ریشه‌های این رویکرد در دوران معاصر، جدای از بحث وجودی این رویکرد در نخستین دوره‌های برخورد کلیسائیان با اسلام، به آرا و آثار امثال آلفونس مینگانا (Alphonse Mingana, 1881-1937)، ایگناتس گلدتسیهر (Ignac Goldziher, 1850-1921)؛ و یوزف شاخت (Joseph Schacht, 1902-1962) می‌رسد که در اصالت پیامبر اسلام ﷺ سنت و کلام الله، تشکیک‌های فراوانی داشته‌اند. مینگانا اعتقاد داشت که قرآن کریم، بدون در نظر گرفتن نقش زبان سریانی، قابل درک و فهم نیست (Donner, Fred M., 1998: 23-24). فرد مک‌گرو دانه نیز به نوعی معتقد است که این رویکرد تا حدودی نتایج آثار گلدتسیهر را ارایه می‌دهد (ibid). البته از نظر وی هنری لامنس مستشرق فرانسوی (Henri Lammens)



1862-1937)؛ را باید از پیشگامان اصلی چنین رویکرد شک‌گرایی افراطی دانست؛ آرای لامنس به حدی افراطی بود که نه تنها از سوی اندیشمندان مسلمان، بلکه حتی از سوی افرادی مثل تئودور نلدکه (Theodor Nöldeke 1836-1930)؛ و کارل هاینریش بکر (Carl Heinrich Becker 1876-1933)؛ آلمانی نیز به نوعی مورد نقد قرار گرفت (ibid: 20-21)؛ زیرا بی طرفی علمی را زیر پا گذاشته بود. تأثیر موضع لامنس حتی تا نیمه دوم قرن بیستم میلادی نیز ادامه یافت و تأثیر آن بر کتاب «مسئله محمد» اثر رژی بلاشر غیرقابل انکار است (Ibid: 22).

یوزف شاخت نیز در راستای یافتن «ریشه‌ها»، در سال ۱۹۵۰ م کتاب «سرچشمه‌های فقه اسلامی» (Schacht, Joseph, The Origins of Muhammadan Jurisprudence, Oxford, 1950) را نوشت و در آن بدبینی را به اوج رساند و اصالت هرگونه حدیث را در جهان اسلام زیر سؤال برد و بدین طریق زمینه‌های ظهور و تداوم این رویکرد را تقویت کرد.

کرونه (Kronch)، و کوک (kock)، در کتاب هاجریسم، با وجود آنکه برخی از گزارش‌های مهم سیره را رد کرده‌اند؛ اما در مقام انکار تاریخی وجود پیامبر اسلام (برنیامده‌اند. برخی «شکاکان نوین» همچون یهودا نوو، باستان‌شناس اسرائیلی و متخصص در منطقه خاورمیانه، وجودیت قائلان رویکرد «تجدیدنظر طلب» یا «شکاکان نوین» مکتوبات مسلمانان را بر مبنای روش‌های نقد منبع (Critical – source) تحلیل و بررسی می‌کند. گرن کتیبه‌هایی به خط کوفی در صحرای نِگب در فلسطین اشغالی کشف نمود. ایشان مدعی بود که موجود نبودن عبارات قرآنی در این کتیبه‌های کهن، دیدگاه ونزبرو در «تاریخ گذاری متأخر» ویرایش نهایی متن قرآنی را تأیید می‌کند (Nevo and Koren, 2003: 82-83, 174-185; Schoeler, 2011: 9, 10). از دیدگاه نوو و گرن، شواهد نشان می‌دهد که اعراب در زمانی که فرض می‌شود در مناطق تحت نفوذ امپراتوری رم قدرت گرفتند، هنوز مشرک بودند.

وقتی اعراب بر اوضاع تسلط یافتند، سنتی یکتاپرستانه و ابتدایی را که متأثر از سنت‌های یهودی مسیحی بود و در مناطق تصرف شده جدید وجود داشت، انتخاب کردند و به تدریج آن را به شکل دین عربی درآوردند که این فرایند تا میانه سده هشتم ادامه یافت. آنها مدعی شدند که هر منبع اسلامی، باید با یک منبع غیر اسلامی (از قبیل منابع باستانی، کتیبه‌ها و سکه شناسی) ارزیابی شود و در صورت تعارض دو منبع، منبع غیر اسلامی ترجیح دارد (Koren g Nevo, 1991: p 92 - 93). نوو و گرن معتقدند که نه منابع مربوط به دوره جاهلی و نه منابع اسلامی، حقایق تاریخی را گزارش نمی‌کنند و گزارش‌های مربوط به جنگ‌ها و فتوحات اسلامی (مثل: نبرد یرموک) ترکیبی از کلیشه‌ها و مضامین مکرر نقلی

است. آنها با تکرار گفته‌های ونزبرو می‌افزایند: معضل اساسی در استفاده از منابع مکتوب در آن است که راوی آن چیزی را که فکر می‌کند یا معتقد است که اتفاق افتاده یا می‌خواسته دیگران گمان کنند که چنین رخ داده است، نقل می‌کند، نه آنچه واقعاً اتفاق افتاده است (Nevo and Koren:6). آنها درباره زندگی پیامبر ﷺ اظهار کردند که هیچ توضیحی درباره دوران زندگی محمد ﷺ در هیچ منبع بیزانسی یا سریانی که بر منابع اسلامی در این زمینه مقدم باشد، وجود ندارد (Koren g Nevo, 1991: 99-100). همچنین درباره تفسیر منابع اسلامی، نوو مدعی است که در هیچ کتیبه‌ای که قبل از سال ۶۹۱/۷۱ تاریخ گذاری شود، نه چیزی درباره خود پیامبر آمده و نه درباره هیچ مسلمانان و کهن‌ترین شیعی که عبارت «محمد رسول الله» در آن نقش بسته، یک سکه عربی ساسانی از خالد بن عبدالله از همین سال است (Nevo, 1994: 109-110).

کارل هاینتس اولیگ آلمانی نیز با تأیید ادعای نوو و گرن، وجود تاریخی پیامبر اسلام را رد می‌کند. اولیگ، صراحتاً معترف می‌شود که توانایی خواندن منابع اصیل عربی را ندارد، و از این روی، به دلیل این ناتوانی و نقص، از پیش داوری محفوظ است و از این رو می‌تواند به تحقیق منتقدانه بپردازد. وی خاستگاه اصلی قرآن را در سده هشتم میلادی دنبال می‌کند و طبق نظر اولیگ، اسم پیامبر در کتیبه «قبة الخضراء» و سایر آثار باستانی همچون سکه‌ها و مقبره‌ها، در واقع لقب حضرت عیسی است (شخص مبارک و ستوده شده)، در حالی که قدیمی‌ترین مستندات تاریخی مربوط به پیامبر، به حدود سال ۶۴۰ میلادی برمی‌گردد (Schoeler, 2011: 9-11).

اولیگ نیز مانند دیگر شکاکان نوین معتقد است که دو سده اول هجری در سایه تاریخ قرار گرفته‌اند و نمی‌توان به منابع اسلامی اعتماد کرد؛ چون این منابع حدود دو سده با تأخیر نوشته شده است؛ یعنی زمانی که محمد ﷺ به الگویی برای هویت یک امپراتوری بزرگ و قدرتمند تبدیل شده که در نتیجه آن، روایات مربوط به زندگی پیامبر، با شرایط جدید هم‌رنگ شده است. اولیگ با بیانی تندتر نتیجه می‌گیرد که محمد شخصیتی تاریخی نیست و سیره رایج، محصول دوره‌ای بوده که در آن تألیف شده است (Ohlig g puin, 2006: 9). از نظر وی، تا سده دوم، از ظهور محمد خبری نیست و پس از این زمان است که ایده یاد شده، از چارچوب اصلی خود (یعنی: عیسی) به مفهوم جدید تغییر یافت. حتی این تفکیک مفهومی نیز یکباره رخ نداد و به گونه‌ای بسط یافت که اولاً به ظهور یک رسول پیامبر با نام محمد ﷺ منجر شود و ثانیاً واسطه‌ای برای انتقال این مفهوم پدید آید؛ یعنی پرستش فردی موسوم به علی (یعنی: بلندمرتبه) (Ohlig g Puin, 2006: 10).





## نقد آرای رویکرد شکاکیت نوین مستشرقان معاصر

اشکالات و نقدهای جدی هم از سوی برخی اندیشمندان مسلمان و هم از سوی دیگر خاورشناسان و اعضای دیگر رویکردهای غربی به آرای رویکرد شک‌گرایی، به‌ویژه در شکل افراطی آن، وارد شده است؛ برخی از این نقدها، به اختصار عبارتند از:

**الف.** نکته‌ای که باید مد نظر باشد این است که با وجود جلب توجه این رویکرد در اواخر سده بیستم میلادی و تلقین آثار غربی به جدید بودن این رویکرد، به‌ویژه با آثار ونزبرو و شاگردانش، این افراد وارثان خاورشناسان افراطی پیشین هستند. برخی از خاورشناسان به این نکته اشاره کرده‌اند که پیشتر بیان شد. بعضی بر این باورند که در دوران متاخر، قبل از ونزبرو، پیشگام شک در این همانی قرآن موجود را باید تئودور نولدکه (Theodor Nöldeke 1836-1930) دانست. در واقع، بین شک‌گرایان قدیم و جدید ارتباطی روشن است و آن ایجاد شک و تردید در این همانی قرآن موجود و خدشه‌دار کردن اصالت قرآن است؛ یعنی فرضیه‌ای مبنی بر تشکیک در روند ایجاد قرآن کنونی، مبنی بر اینکه قرآن فعلی، نهایتاً، یک ترجمه ناقص از نسخه اصلی است و حتی این نسخه اصلی هم از سوی نولدکه و مینگانا، مورد تردید قرار گرفت (بنگرید به: محمد ناصر، محمد نسرین، میراث تعصب: شرق‌شناسان معاصر و پندارهای نادرست آنان درباره قرآن، ترجمه: هدی شفیع‌شکیب، مؤسسه مطالعاتی روابط اسلام و غرب، ۱۳۹۲ ش: ۱۷-۱۸).

**ب.** در غرب قبل از ونزبرو نیز به نوعی شاهد تداوم این رویکرد هستیم که برای نمونه می‌توان به آبراهام آیزاک کاش (ABRAHAM ISAAC KATSH (Katz), 1908-1998)، (۱۹۰۸-۱۹۹۸)، یهودی غربی - لهستانی اشاره کرد. او در سال ۱۹۵۴ م، اثری با عنوان «یهودیت در اسلام: پس‌زمینه‌های عهدینی و تلمودی قرآن و تفاسیرش» (Katsh, Abraham I., Judaism in Islam: Biblical and Talmudic) در نیویورک منتشر کرد که در سال ۱۹۶۲ م، همان اثر با عنوان جدید «یهودیت و قرآن: پس‌زمینه‌های عهدینی و تلمودی قرآن و تفاسیرش» (KATSH, ABRAHAM I., JUDAISM AND THE KORAN, BIBLICAL AND TALMUDIC) بازنشر یافت. وی مدعی است که پیامبر برای خلق قرآن، از همه منابع کتاب مقدس، تلمود، آپوکریفا و سنت یهودی استفاده کرده و در ساختار نیز از سنت مسیحیت بهره برده است (See ibid, introduction). بنابراین، این رویکرد به هیچ‌وجه جدید و محصول سده بیستم نیست، گرچه ظهورش در قرآن‌پژوهی غرب، در نیمه سده بیستم، با فتون جدیدتر و پیچیده‌تر قابل مشاهده است که آن هم به دلیل تأخر اسلام‌شناسی و قرآن‌پژوهی غرب نسبت به اروپاست.



ج. به باور برخی قرآن پژوهان غربی، افراد این رویکرد نیز در یک سطح و دارای رای متحد و منسجمی نیستند؛ آنها در فرضیه‌ها و مبانی خود دارای نقاط مشترک اندکی هستند. از این رو موفق به تأسیس حتی یک روش واحد نشدند تا چه رسد به یک مکتب که بتواند چالشی نظام‌مند را در مقابل پارادایم فعلی اسلام پژوهی و مطالعات قرآنی ارائه کند (نیل‌ساز، مروری بر کتاب قرآن در بستر تاریخی آن، ۱۳۹۵: ۱۵۳-۱۷۰).

بدون شک، برای قبول نتایج این رویکرد شکاکیت، نیازمند به پذیرش تاریخی از توطئه هستیم، به طوری که منشأ حجم وسیعی از منابع مکتوب در قرن نهم میلادی (مصادف با سوم هجری)، سنت پیشین مکتوب و شفاهی نبوده است، سنتی که برآمده از یک جامعه دینی معین (با وجود قبول افتراقات داخلی)، منابع و مراجع دینی، از جمله کتاب قرآن تثبیت شده است (گراهام، ملاحظاتی بر کتاب مطالعات قرآنی، در: زبان قرآن، تفسیر قرآن: مجموعه مقالات قرآن پژوهی غربیان، ۱۳۹۷: ۲۳۲-۲۳۳).

د. این رویکرد به لحاظ روش‌شناسی نیز دارای اشکالاتی است که از چشم منتقدان غربی و اسلامی دور نمانده است. در اینجا به برخی از آنها اشاره می‌شود:

- رویکرد شک‌گرا مدعی است که منابع موجود یک تصویر کاملاً ویرایش شده و در نتیجه اشتباه را از خاستگاه‌های اسلام به ما ارایه می‌دهد؛ زیرا تمام مدارک معتبر مربوط به ماهیت واقعی آن از سنت پاک شده است (Crone, Patricia, Slaves on horses: the evolution of the Islamic polity, 2003, p. 7). این بدان معناست که این رویکرد از ما می‌خواهد که به دلیل عدم بقای مدارک، باید تعبداً بپذیریم که خاستگاه‌های واقعی اسلام غیر از آن چیزی است که توسط سنت اسلامی ترسیم شده است (Donner, 1998, p. 26). به عبارت دیگر، آنها سنت، مدارک و منابع اسلامی را به دلیل غیر تاریخی بودن و تعبدی بودن رد می‌کنند و در همان حال از ما می‌خواهند که این ادعای بدون دلیل آنها را تعبداً بپذیریم!

- تناقض در روش: افراد این رویکرد در دوران اخیر، مثل جان ونزبرو و جرالدهاوتینگ، با روش تحلیل ادبی به سراغ متن قرآن و سایر متون کهن اسلامی رفته‌اند. ونزبرو مدعی است که در پی «بازسازی تاریخ» نیست و تحلیل‌های خود را سبک‌شناختی می‌نامد و تأکید می‌کند که این تحلیل‌ها، استنتاجات دقیقاً تاریخی در پی ندارد. وی همچنین در اینکه از تحلیل ادبی بتوان به آنچه «واقعاً روی داده» پی برد، تردید دارد و بر این نکته اصرار دارد که ثمره و نتیجه تحلیل منابع، تنها برای تحلیل بهتر و دقیق‌تر منابع، ارزشمند است، نه برای امر کاملاً متفاوت شرح «آنچه واقعاً روی داده» است (See: Wansbrough, Quranic Studies: Sources and Methods of Scriptural Interpretation, 1977, p. xxi; idem, The Sectarial Milieu: Content and Composition of Islamic Salvation History, 1978, pp. xixi).

با وجود این همه تأکید، او بارها مجبور به استنتاج تاریخی شده و مدعی می‌شود که «فلان اتفاق» اصلاً روی نداده یا به گونه‌ای غیر از آنچه که مسلمانان یا سایر پژوهشگران باور دارند، روی داده است (نیل‌ساز، بررسی و نقد دیدگاه ونزبرو درباره تثبیت نهایی متن قرآن، ۱۳۸۷ ش: ۱۶۷-۱۵۸). وضعیت روشی هاوتینگ نیز متأثر از استادش، ونزبرو، در بررسی آیات قرآنی همین‌گونه است؛ وی از رهگذر تحلیل ادبی، استنتاج تاریخی می‌کند. در اینکه آیا با استناد به تحلیل ادبی صرف می‌توان نتایج ملموس تاریخی به دست آورد یا نه، اشکال وجود دارد؛ زیرا نتایج تحلیل ادبی این قابلیت را دارند که با توجه به پیش‌فرض‌های فرد، به‌گونه‌های مختلف و متفاوتی تعبیر و تفسیر شوند. درست از این‌روست که این روش و استنتاج‌های تاریخی برآمده از این روش، از سوی برخی دیگر از خاورشناسان نیز مورد نقادی قرار گرفته است (نیل‌ساز، خاورشناسان و ابن عباس: تحلیل انتقادی دیدگاه‌های خاورشناسان درباره آثار تفسیری منسوب به ابن عباس، ۱۳۹۳ ش: ۶۰-۶۵؛ پویازاده و پیروان، نقد و بررسی دیدگاه جerald هاوتینگ در کتاب بت‌پرستی و ظهور اسلام، ۱۳۹۳: ۳۳-۶۰؛ گراهام، ملاحظاتی بر کتاب مطالعات قرآنی، در: زبان قرآن، تفسیر قرآن، ۱۳۹۱ ش: ۲۲۰-۲۳۶)؛ برای نمونه، ویلیام گراهام برخی از فرضیات و نتایج ونزبرو را به دلیل ابتئای بر تحلیل ادبی صرف، غیرقابل قبول می‌داند. (گراهام، ملاحظاتی بر کتاب مطالعات قرآنی، در: زبان قرآن، تفسیر قرآن، ۱۳۹۱ ش: ۲۳۴).

- علاوه بر این، باید توجه داشت که رویکرد شکاکانه مانند رویکردهای نقد منبع و نقد سنت، به شدت مدیون آثار گذشته در حوزه نقد کتاب مقدس است. با مسلم انگاشتن این حقیقت که کتاب‌های «تاریخی» عهدعتیق و گزارش‌های سنتی مسلمانان درباره خاستگاه‌های اسلام، شباهت‌های قابل توجهی در محتوا، ساختار و موضوعات دارند، پس کاربرد روش‌های استفاده‌شده برای تجزیه و تحلیل کتاب‌های عهدعتیق، برای سنت اسلامی نیز کاملاً موجه به نظر می‌رسد؛ اما شک‌گرایان، نه تنها برخی از روش‌های نقد کتاب مقدس را اتخاذ می‌کنند؛ بلکه ظاهراً برخی از نتایج نقد کتاب مقدس را نیز کاملاً درباره سنت اسلامی پذیرفته‌اند، به‌ویژه رویکرد بسیار شکاکانه و مغرضانه آنها، در خصوص اعتبار سنت به عنوان یک منبع تاریخی، اصلاحات و یکسانی سنت است، با این وجود، مشخص نیست که این نتیجه‌گیری‌ها که در حال تبدیل به فرضیه می‌باشند، درباره اطلاعات سنت اسلامی که نسبت به سنت عهدعتیق، سریع‌تر و بهتر شکل گرفته است، کاربردی باشد (Donner, 1998, p. 29)؛ ر.ک: علوی، جریان‌شناسی قرآن پژوهی مستشرقان در ایالات متحده آمریکا با تأکید بر سیر تطور، رویکردها، ۱۴۰۱: ۲۰۹-۲۱۲).



هم. مورخان پیشرو تاریخ در صدر اسلام مثل فرد دوزیر و کارل رابینسون، در آثار اخیر خود اشکالاتی بر رویکرد شکاکیت نوین وارد کرده‌اند:

اولاً: این فرضیه شکاکان نوین که تمامی سنت اسلامی را تحت تأثیر تمایلات خاص ناقلان متأخر سده‌های سوم و چهارم هجری می‌دانند، به‌طور کلی باطل است، زیرا که با در نظر گرفتن و مطالعه تاریخ اسلام، شروع تعارضات و اختلافات فرقه‌ای - کلامی در سال ۳۵ قمری شکل گرفته است. به عبارت دیگر، هیچ برهه‌ای از تاریخ اسلام، خالی از تصادمات و برخورد‌های فرقه‌ای - کلامی نیست. از این رو واضح است که رویکرد شکاکان نوین نسبت به تاریخ اسلام، بر مبنای تمایلات شخصی و آزمانی است که در واقعیت هرگز به منصفه ظهور نرسیده است.

ثانیاً: وجه مشترک تمام نظرات شکاکان در طول تاریخ اسلام پژوهی در غرب این است که همگی از شناسایی یک یا چند گروه سیاسی - کلامی مشخص که بتوانند روند جعل و تحریف را بدان نسبت بدهند، عاجز بوده‌اند، از این رو چگونه می‌توان تا این مقدار بر تحریف اصرار ورزید؛ اما از شناخت هویت فکری و سیاسی این دسته از جاعلان، ناتوان بود؟

ثالثاً: از آنجایی که شکاکان نوین، ادعای تحریف جامع و فراگیر سنت اسلامی توسط گروهی نامشخص را دارند، می‌توان این سؤال چالش‌برانگیز را مطرح نمود که کدامین منبع غیر مشخص و غیر قابل ردیابی در حیطه وسیع تمدن اسلامی در سده سوم و چهارم هجری، قادر به اعمال چنین تغییرات کلی و فراگیر بوده است؟ (Donner, Narratives of Islamic origins, pp.25-31).

این قبیل اشکالات نشان می‌دهد که نظریات شکاکان در غرب بسیار نقد شده است، به طوری که برخی شواهد و قرائن نشان می‌دهد در سال‌های اخیر رویکردهای شکاکانه افراطی بسیار ضعیف و کم‌رنگ شده‌اند، گرچه اثرات آن بر محققان بعدی در صورت‌های ملایم‌تری بر جای مانده است. شولر معتقد بود که بر طبق نشانه‌های موجود، رویکرد شکاکیت نوین، به زوال خود نزدیک شده است و برای نقد این رویکرد، می‌توان به نظریات باستان‌شناسی، تاریخی و مستندات هم‌چون کتیبه‌ها و سکه‌ها رجوع نمود.

و. به تازگی کتیبه‌ها، مصاحف قرآنی و سکه‌هایی کشف شده است که نظریات شکاکان را با چالش روبه رو می‌کند. از کتیبه‌های اسلامی می‌توان به سنگ نبشته زهیر اشاره کرد که در ۱۹۹۹ م توسط علی بن ابراهیم غبان در قاع المعتدل (شمال غربی عربستان) کشف شد و کهن‌ترین شاهد اسلامی از این نوع به شمار می‌رود. در این کتیبه چنین آمده است: «بسم الله أنا زهیر کتبت زمن توفی عمر سنة اربع و عشرين». سال ۲۴ هجری همان سالی است که عمر بن خطاب، خلیفه دوم از دنیا رفت. شاهد دیگر دو سکه عربی ساسانی از سال ۶۶ و ۶۷ هجری هستند که خلاصه شهادت اسلامی را در بردارند (بسم الله، محمد رسول الله).

این سکه‌ها نخستین مدارک اسلامی به شمار می‌روند که نام پیامبر اسلام بر آنها نقش بسته است (Schoeler, 2011:p 14). افزون بر این، پاپیروسی در خربه المراد یافت شد که نقوش آن حاوی آیات ۱۰۲ به بعد سوره آل عمران است. این پاپيروس نشان از متن ثابت قرآن در اواخر عهد اموی دارد. در پاپيروس دیگری نیز که بین سال‌های ۷۴۱ تا ۷۸۵ تاریخ گذاری شده، به آیاتی از قرآن استناد شده است (نیل‌ساز، بررسی و نقد دیدگاه ونزبرو درباره تثبیت نهایی متن قرآن، ۱۳۸۷ ش: ۱۶۳).

استل ولان به دو کتیبه قرآنی مکتوب بر ساختمان قبة الصخره در بیت المقدس اشاره می‌کند که در حدود ۶۵-۸۶ قمری در دوران خلافت عبدالملک بن مروان تاریخ گذاری می‌شوند؛ یعنی فقط نیم سده پس از وفات پیامبر ﷺ.

ولان معتقد است که این تفاوت‌ها نشان می‌دهند استفاده فعالی از آیات قرآن انجام گرفته است و این یعنی از قبل باید «داری عمومی جامعه» شده باشند (Whelan:p 4-6). در واقع، این سخن ردی است بر ونزبرو که معتقد بود استفاده نشدن از قرآن در بین مردم نشانه این بوده که جامعه با این متن انسی نداشته و بنابراین تکوین آن در دوره‌ای متأخر رخ داده است. دیگر سند نامبرده توسط ولان، کتیبه‌های قرآنی دیوار قبله مسجد النبی در مدینه هستند که از بین رفته‌اند؛ اما این رسته در سال ۲۹۰ هجری آنها را دیده و در کتاب «الأعلاق النفیسة» توصیف کرده است.

به گفته ابن‌رسته، این کتیبه در بازسازی مسجد مدینه در دوران ولید بن عبدالملک در سال ۹۱ هجری بر دیوار مسجد نوشته شده و از دار مروان تا باب علی ادامه داشت. او می‌افزاید بسیاری از علما گفته‌اند این کتیبه را عمر بن عبدالعزیز نوشت و از «أُمُّ الْکِتَاب» شروع می‌شود و پس از اتمام آن با «والشمس و ضحاها» ادامه پیدا می‌کند و با ختم «قل أعوذ بربّ الناس» تمام می‌شود. ابن‌ندیم گفته است که کتیبه قبله مسجد النبی را خالد بن ابی الهیاج به دستور عمر بن عبدالعزیز با خط طلا از سوره شمس تا آخر قرآن نوشت (ابن‌ندیم، الفهرست، ۱۳۵۰ ش: ۹). اهمیت این کتیبه از آن جنبه است که نشان می‌دهد تا پایان سده اول هجری دست‌کم ترتیب سوره‌های شمس (۹۱) تا آخر قرآن مشخص شده بود و این بر ترتیب تمامی سوره‌ها دلالت می‌کند (Whelan:p 8-10).

درباره مصاحف قرآنی، تعدادی از محققان به روش رادیو کربن بر روی اوراق پیدا شده در مسجد جامع صنعا در ۱۹۷۲ م تحقیق کرده‌اند. صادقی و گودرزی در مقاله بلندی که سال ۲۰۱۲ منتشر شد (Behnam Sadeghi and Mohsen Goudarzi, San a l and the Quran. Der Islam, 2012, Bd. 87, S 1 , 129)، دو لایه بودن این نسخه را تأیید کردند. آنها تحلیل خود را بیشتر بر لایه زیرین اوراق و بر ۳۶ برگ متمرکز کردند (گویی در زمان تألیف مقاله، تصویر یکی از برگ‌ها در دسترسشان نبوده است و آن را صنعا (۱)



نامیدند (برای گزارشی کوتاه از دیگر نسخه‌های پالیمپسست قرآنی، ر.ک. Sadeghi/ Goudarzi, 5, f.9). تحلیل آنها نشان داد که این لایه شاید روایتی غیرعثمانی از متن قرآن و نزدیک به قرائت ابن مسعود و ابی‌بن‌کعب باشد. بر اساس ارزیابی‌های کهن خط‌شناسی، نوشته زیرین بی‌تردید از سده هفتم میلادی است و با توجه به آزمایش‌های دقیق‌تر رادیوکربن بر پوست، می‌توان نتیجه گرفت که لایه زیرین با احتمال ۹۹ درصد پیش از ۶۷۱ میلادی (با احتمال ۹۵/۵ درصد پیش از ۶۶۱ و با احتمال ۷۵ درصد پیش از ۶۴۶ میلادی) تاریخ‌گذاری می‌شود. بنابراین، این مصحف نسبت به دیگر مصاحف تاریخ‌گذاری شده به روش رادیوکربن کهن‌تر است (Sadeghi/ Goudarzi: p 8). تحلیل متنی صادقی و گودرزی نشان می‌دهد که گزارش‌های مرتبط با وجود مصاحف در زمان صحابه واقعی است. مصاحفی که پیش از توزیع متن استاندارد قرآن (مصحف عثمانی) در حدود ۶۵۰ میلادی وجود داشته‌اند (Sadeghi/ Goudarzi: p 20). همچنین، مسلمانان درباره این مسئله که آیات قرآن توسط چه کسی و در چه زمانی، در سوره‌ها قرار گرفتند، دو دیدگاه دارند:

بسیاری از دانشمندان و برخی روایات بیان می‌کنند که این کار پس از وفات پیامبر ﷺ و توسط کمیته منتخب عثمان انجام گرفت؛ اما برخی دیگر از روایات نشان می‌دهند که این کار پیش از آن، توسط خود پیامبر ﷺ انجام گرفته است. تحلیل این دو مؤلف ایرانی مؤید دیدگاه دوم است (Sadeghi/ Goudarzi: p 23). پس از آن، اسما هلالی بر روی تعدادی از این برگ‌ها تحقیق کرد. او در کتابی که در ۲۰۱۷ منتشر شد (Hilali (Asma), The Sunaa Palimpsest: The Transmissian of the Quran in the First Centries AH)؛ علاوه بر لایه زیرین، لایه رویی را نیز (که متن رسمی عثمانی از قرآن است) بازخوانی و ویرایش کرده است؛ اما به گفته مرتضی کریمی‌نیا، تحقیق هلالی «نه دقتش در خوانش متن زیرین به ویرایش صادقی و گودرزی می‌رسد و نه از پانویس‌های بسیار محققانه و ارجاعات آن دو محقق قبلی در این ویرایش خبری هست» (کریمی‌نیا، مصحف صنعا، انتقال قرآن در قرن اول هجری، <http://clisel Com/the-sanaa-palimpsest>).

فرانسوا دروش به روش‌های مبتنی بر آزمایش رادیوکربن چندان خوشبین نیست و بر این باور است که به این روش‌ها باید با دیده احتیاط نگریست. از منظر وی، مرزهای دوره زمانی که این روش‌ها تعیین می‌کنند دقیق نیست، زیرا مدت زمان مورد بحث کوتاه است و اگر قرار باشد این تاریخ‌گذاری‌ها، قدمت مواد و مصاحف قرآنی را در بازه زمانی نزدیک به یک سده قرار دهد، دقت کافی ندارد.

وی بر مبنای فنونی مانند: خط‌شناسی، نسخه‌شناسی، تاریخ هنر و سیر تحول رسم الخط قرآنی، به تاریخ‌گذاری مصاحفی می‌پردازد که آنها را به دوره امویان مربوط می‌داند. دروش، نتایج پروژه مشترک قرآنی فرانسه آلمان (coranica) (در فاصله ۲۰۱۱-۲۰۱۴) را که به تاریخ‌گذاری برگه‌های قرآنی کهنی از

لایدن، توینگن و بیرمنگام اقدام کرده است، مؤید رویکرد خط‌شناسانه می‌داند (دروش، قرآن‌های عصر اموی، مقدمه‌ای در باب کهن‌ترین مصاحف، ۱۳۹۴: ۳۷-۴۳). وی معتقد است که تاریخ بسیاری از نسخه‌های خطی قرآن را می‌توان به دوران اموی برگرداند؛ یعنی دو دوره پیشا عبدالملک که در آن نسخه‌ها، پیچیدگی کمتری دارند و شاخص آنها مخطوطاتی چون مصحف پاریس سن پترزبورگ است؛ و دوره پساعبدالملک که وجه شاخص آن، سبک بسیار منسجم‌تر دستخط و حجم بسیار بیشتر تزئینات در نسخه‌هاست.

دروش، مصحف صنعاء را متأخر از مصحف پاریس سن پترزبورگ (دو دهه نخست حکومت اموی) در دهه‌های نخست سده هشتم میلادی (سال‌های ۸۰-۱۰۰ هجری) تاریخ‌گذاری می‌کند و معتقد است که میان این دو نسخه تا حداکثر نیم سده فاصله است. او بر این باور است که تعیین قدمت پوست برگه صنعاء ۱ با آزمایش کربن ۱۴ (متن زیرین پالیمپست) که نسخه‌ای پیش عثمانی توصیف شده بود، قطعی نیست. از دیدگاه دروش، در این مرحله از تولید مصاحف اموی، «ملاحظات در باب ظاهر کتاب مقدس، هم بر شکل کلی و بیرونی (مصحف باید کتابی بزرگ باشد) و هم بر نحوه عرضه متن (مصحف باید کتابی زیبا باشد) اثر گذاشته بود» (دروش، قرآن‌های عصر اموی، مقدمه‌ای در باب کهن‌ترین مصاحف، ۱۳۹۴: ۲۳۳-۲۳۵؛ شفیع، مطالعات قرآنی معاصر در غرب، رویکردی انتقادی به جریان‌های تجدیدنظرطلب و شکاکیت نوین ۱۳۹۹: ۷۵-۱۰۰). شولر نیز در مقدمه اثر مهمش در باب منابع سیره نبوی، کوشیده با استفاده از یافته‌های اخیر کتیبه‌شناسی، پاپیروس پژوهی و سکه‌شناسی به ادعاهای شکاکان نوین پاسخ دهد (The Biography of Gregor Shoeler, 2011), Muhammad: Nature and Authenticity, Translated by Uwe Vagelpohi, edited by James (E. Montgomery, pp.14-15).

۱. علی بن ابراهیم بن جبان در سال ۱۹۹۹م، قدیمی‌ترین کتیبه اسلامی تاریخ‌دار (Al-PabbIn, Ali b.Ibrahim, The Inscription of Zuhayr, the oldest Islamic Inscription) (24.AH/644.AD), the rise of the Arabic script and the nature of the early Islamic state, Translated (شمال غرب عربستان) را کشف کرد. در این کتیبه‌ها بعد از بسم الله این طور آمده است: انا زبیر کتبت زمان توفی عمر اربع و عشرين. چنانکه پیداست، نگارنده از تقویم هجری برای نشان دادن تاریخ استفاده کرده و بسیار جالب است که تنها چند سال (۱۳-۲۳ ه.ق/ ۶۳۴-۶۴۴م) پس از رسمی شدن این تقویم، این اتفاق افتاده است و نگارنده کتیبه، به طور دقیق به تاریخ





فوت خلیفه دوم اشاره نموده است، در حالی که محققان ادعا می‌کردند هیچ‌گونه مستند خارجی از صحابی پیامبر ﷺ موجود نیست و معاویه اولین خلیفه‌ای به‌شمار می‌رفت که وجود تاریخی وی، با مطابقت کتیبه‌ها و اوراق پاپیروس، تصدیق می‌شود. این شواهد و مدارک جدید کُرن و نو را بدان سوی هدایت کرد که ادعا کنند: هیچ یک از آنها (منظور منابع بومی پیش از سده هشتم میلادی) نام خلیفه‌ای را پیش از معاویه ذکر نکرده‌اند که یک شخصیت تاریخی باشد).  
۲. دو پاپیروس که قدیمی‌ترین آثار به‌جامانده با تاریخ‌گذاری هجری هستند، در سال ۲۲ه.ق/۶۴۳ م نگاشته شده‌اند (Hoyland, 1997, Seeing Islam as others saw it, Princeton, n.1, p.668).

۳. کهن‌ترین مستند بر گواهی حقانیت تاریخی وجود پیامبر ﷺ، دو سکه نقره عربی-ساسانی مربوط به سال‌های ۶۶ و ۶۷ قمری است که همراه با متن کوتاهی از اقرار به ایمان به پیامبر ﷺ است (بسم الله محمد رسول الله) (Ibid, n.21.p.694). سکه‌ای با نام محمد (غیر از پیامبر) به عنوان نسب و کتیبه‌ای (Album and Goodwin(2002), Sylloge of Islamic Coins in the Ashmolean, V.1, The Pre-Reform coinage of early Islamic period, London: Ashmolean Museum Oxford, pp.29-30; Plate 26, no.371); با نام عبدالرحمن بن محمد اموی (ابن‌اشعث) با تاریخ سال ۸۰ه.ق یافت شده است. هر دو شخصیت ابن‌اشعث و پدرش محمد (م. ۴۱ه.ق/۶۶۱ م) جایگاه تاریخی مهمی داشته‌اند و در منابع تاریخی اسلامی بسیار سرشناس هستند. این حقیقت تاریخی، فرضیه الیگ که مدعی بود، نخستین شواهد تاریخی از پیامبر ﷺ مربوط به الصخره است که آن هم لقبی از حضرت عیسیٰ ﷺ است، از این طریق مردود می‌شود. البته تاریخ اولین مستند غیراسلامی که نام پیامبر ﷺ در آن آمده، از این نیز کهن‌تر است: یک سال‌شمار مسیحی-سریانی که توسط توماس پرسپیتر در حدود سال ۶۴۰ م نگاشته شده (بنابر نظر هولیند)، به جنگ میان رومیان و اعراب محمد (مسلمان) اشاره کرده است، EI2, III, (1979:715 (s.v. Ibn al-Ash'ath) and EI2 VII, 1993, 400 (s.v. Muhammad b. al-Ash'ath).

## نتیجه

۱- رویکرد شکاکیت نوین را می‌توان بر مبنای جهت‌گیری‌های خاص باورمندان، به دسته‌های ذیل تقسیم کرد:

الف. بیشتر فعالیت پژوهشی برخی از شکاکان نوین مانند ابن وراق و ریون، حول محور جمع‌آوری متون در خصوص ارزش تاریخی منابع اسلامی درباره سیره پیامبر ﷺ و حیات ایشان است. ب. برخی دیگر از آنان مانند کالدِر، با وجود پایبندی به رویکرد شکاکیت نوین و تأثیرپذیری از سران این رویکرد، برخی از مطالعات و پژوهش‌های صورت گرفته توسط خود را به مطالب اضافه کرده‌اند. کالدِر سعی داشت تا با در نظر گرفتن این پیش‌فرض که انتقال مکتوب منابع اصلی و اولیه عربی بسیار دیر صورت گرفته، اصالت آنها را خدشه‌دار کند. محوریت تحقیقات آنان، مطالعاتی روشمندانه و آماری است که موجب گردیده تا نتایج غیر واقعی و دور از حقیقت را به ثمر برسانند. ج. بعضی دیگر مانند یهودا نوو و جودیت گرن، با نادیده گرفتن سنت اسلامی، سعی در به تصویر کشیدن چهره‌ای افراطی و دلخواه از تاریخ اسلام داشته‌اند و آراء و نظریات خویش را با تکیه بر شواهد جانبی همچون سکه، کتیبه‌شناسی و ... بیان کرده‌اند.

۲- آرا و دیدگاه‌های افراطی و چالش‌برانگیز این رویکرد بسیار سریع مورد توجه محافل علمی قرار گرفت و واکنش دیگر جریان‌های قرآن‌پژوهی را فراهم نمود. رشد و گستره این توجه به مطالعات قرآنی و رونق آن، به ویژه در غرب، به گونه‌ای بود که برخی از مستشرقان سخن از «عصر طلایی مطالعات قرآنی» را به میان آوردند (Reynolds, Gabriel Said, 2011: p 1-21).

۳- در مقابل انتشار آثار متعدد از سوی رویکرد تشکیکی، شاهد واکنش اسلام‌شناسان و قرآن‌پژوهان، اعم از مسلمان و غیرمسلمان هستیم که به تحلیل و نقد پیش‌فرض‌ها، روش‌ها و آرای این رویکرد مبادرت کرده‌اند.



## منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه: محمدعلی رضایی اصفهانی و جمعی از اساتید جامعه المصطفی، انتشارات المصطفی، قم: چاپ دوم، ۱۳۸۸.
۲. ابن ندیم بغدادی، محمد بن اسحاق، کتاب الفهرست، تحقیق: رضا تجدد، تهران: ۱۳۵۰ ش/۱۹۷۱ م.
۳. اعظمی، محمد مصطفی، منهج النقد عند المحدثین، نشأته و تاریخه، مكتبة الكوثر، عربستان: الطبعة الثالثة، ۱۴۱۰ ق.
۴. بدوی، عبدالرحمن، موسوعة المستشرقین، دارالعلم للملایین، بیروت: الطبعة الثالثة، ۱۹۹۳ م.
۵. پارت، رودی، الدراسات العربية و الاسلامیة فی الجامعات الألمانية: المستشرقون الألمان منذ تیودور نولدکه، ترجمه: مصطفی ماهر، الهيئة المصرية العامة للكتاب (المركز القوسی للترجمة)، القاهرة: ۲۰۱۱ م.
۶. دروش، فرانسوا، قرآن‌های عصر اموی، مقدمه‌ای در باب کهن ترین مصاحف، ترجمه: مرتضی کریمی نیا و آلا، وحیدنیا، انتشارات هرمس، تهران: ۱۳۹۴.
۷. رضایی هفتاد، حسن، «تحلیل و نقد آرای جان برتن درباره تدوین قرآن»، مطالعات قرآن و حدیث، سال دوم، شماره اول، پاییز و زمستان ۱۳۸۷.
۸. رفیعی، محمدحسین، «پاره‌های اسلام‌شناسی (۴) اسلام‌شناسی در غرب (۱): بررسی آثار رابرت هولیند»، آینه پژوهش، شماره ۱۴۸، مهر و آبان ۱۳۹۳.
۹. رفیعی، محمدحسین، «جریان‌شناسی سیره‌پژوهی در غرب، با تأکید بر مطالعات در باب اعتبار و وثاقت حدیث در سنت اسلامی»، مجله مطالعات تاریخ اسلام، سال پنجم، ش ۱۹، ۱۳۹۲.
۱۰. سعید، عبدالله، درآمدی به قرآن، ترجمه: سعید شفیعی، انتشارات حکمت، تهران: ۱۳۹۷.
۱۱. شفیعی، سعید، مطالعات قرآنی معاصر در غرب، رویکردی انتقادی به جریان‌های تجدیدنظر طلب و شکاکیت نوین، موسسه انتشارات دانشگاه تهران، تهران: ۱۳۹۹.
۱۲. شولر، گریگور، شفاهی و مکتوب در نخستین سده‌های اسلامی، ترجمه: نصرت نیل‌ساز، حکمت، تهران: ۱۳۹۳.
۱۳. علوی، سیدحسین، جریان‌شناسی قرآن‌پژوهی مستشرقان در ایالات متحده آمریکا (با تأکید بر سیر تطور، رویکردها، مبانی و روش‌ها)، مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی، قم: ۱۴۰۱.

۱۴. کریمی نیا، مرتضی، سیره پژوهی در غرب، تدوین و ویرایش: مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، قم: ۱۳۸۶.
۱۵. گراهام ویلیام، «ملاحظات بر کتاب مطالعات قرآنی»، ترجمه: مرتضی کریمی نیا، آینه پژوهش، سال یازدهم، ۱۳۹۷، ش ۶۵.
۱۶. محمد ناصر، محمد نسرین، میراث تعصب: شرق شناسان معاصر و پندارهای نادرست آنان درباره قرآن، ترجمه: هدی شفیع شکیب، مؤسسه مطالعاتی روابط اسلام و غرب، قم: ۱۳۹۲.
۱۷. نیل ساز، نصرت، «مروری بر کتاب قرآن در بستر تاریخی آن»، مجله نقد کتاب قرآن و حدیث، سال دوم شماره ۵، ۱۳۹۵.
۱۸. نیل ساز، نصرت، «بررسی و نقد دیدگاه ونزیرو درباره تثبیت نهایی متن قرآن»، مقالات و بررسی ها، دفتر ۸۸، تابستان ۱۳۸۷.
19. Al-azami, Muhammad Mustafa, The History of the Quranic Text from Revelation to Completion: A Comparative Study with the Old and New Testaments, Leicester: Uk Islamic Academy, 2003.
20. Album and Goodwin, Sylloge of Islamic Coins in the Ashmolean, V.1, The Pre-Reform coinage of early Islamic period, London: Ashmolean Museum Oxford, pp.29-30; Plate 26, no.371, 2002.
21. Al-Pabbfn, Ali b.Ibrahim, The Inscription of Zuhayr, the oldest Islamic Inscription(24.AH/644.AD), the rise of the Arabic script and the nature of the early Islamic state, Translated by Hoyland, Arabian Archeology and epigraphy, 19: pp.137-210
22. Berg, Herber, "Competing Paradigms in Islamic Origins Quran 15:89-91 and the Value of Isnads", in: Herbert Berg (ed). Method and Theory in the Study of Islamic Origins, Brill, Leiden, 2003.
23. Donner, Fred M, Narratives of Islamic origins: the beginnings of Islamic historical writing, THE DARWIN PRESS, INC. PRINCETON, NEW JERSEY, 1998.
24. Gregor Shoeler, The Biography of Muhammad:Nature and Authenticity,Translated by Uwe Vagelpohi, edited by James E.Montgomery, London: Routledge: pp.14-15, 2011.
25. Herbert Berg, The Development of Exegesis in early Islam: The Authenticity of Muslim literature from the formative period, Richmond, Surrey; idem,"Competing Paradigms in the study of Islamic Origins: Quran 15:89-91 and the Value of Isnads" in Method and Theory in the Study of Islamic Origins, Leiden: Brill.



26. Ibn Warraq, The Quest for the Historical Muhammad, Amherst, NY; Raven, "Sira" In EI2, 2000b.
27. Katsh, Abraham I, Judaism and the Koran: Biblical and Talmudic backgrounds of the Koran and its commentaries, New York, 1962.
28. Nevo, Yehuda and Koren, Judith, "Methodological Approaches to Islamic Studies," Der Islam 68: 87-107, 1991.
29. Ohlig, "Wieso dunkle Anfänge des Islam?" in Die dunklen Anfänge: Neue Forschungen zur Entstehung und frühen Geschichte des Islam, Ohlig & puin(ed.), n.pl.
30. Robert Hoyland, Seeng islam as others saw it, Princeton, n.1, p.668, 1997.
31. Sadeghi, Behnam g Goudaezi, Mohsen, "San' a' 1 and the Origins of the Qur'an, Der Islam, Bd. 87, S. 1-129, 2012.
32. Schoeler, Gregor, "Foundations for a new Biography of Muhammad: The production and evaluation of the corpus of traditions from Urwah b.Al-zumayr". In: Herbert Berg, (ed), Method and Theory in the Study of Islamic Origins, Brill, Leiden, 2003.
33. Segovia, Carlos A. and Basil Lourić, eds, The Coming of the Comforter: When, Where, and to Whom? Studies on the Rise of Islam and Other Various Topics in Memory of John Wansbrough, Orientalia Judaica Christiana 3, NJ: Gorgias Press, 2012.
34. Suliman Bashear, Arabs and Others in Early Islam, Studies in Late Antiquity and Early Islam8, 1997.
  - i. Wansbrough, John, Qurānic Studies: Sources and Methods of Scriptural Interpretation, Amherst, New York, 2004.
35. Whelan, Estelle, Forgotten Witness: Evidence for the Early Codification of the Qur'an, Journal of the American Oriental Society, Vol. 118, Issue 1, January-March, pp. 1-14, 1998.
36. Yehuda Nevo & Judith Koren, "Methodological approaches to Islamic Studies", Der Islam, V.68, pp.87-107, 1991.

### Resources:

1. The Holy Quran, Translated by Muhammad Ali Rezaei Isfahani and A Group of Professors of Al-Mustafa University, Al-Mustafa Publishing House, Qom: 2nd Edition, 2009.
2. Alavi, Seyyed Hossein, The Flow of Orientalist Quran Studies in the United States of America (with An Emphasis on the Course of Development, Approaches, Foundations and Methods), Al-Mustafa International Translation and Publishing Center, Qom: 2022.
3. Al-azami, Muhammad Mustafa, The History of the Quranic Text from Revelation to Compilation: A Comparative Study with the Old and New Testaments, Leicester: Uk Islamic Academy, 2003.
4. Album and Goodwin, Sylloge of Islamic Coins in the Ashmolean, V.1, The Pre-Reform coinage of early Islamic period, London: Ashmolean Museum Oxford, pp.29-30; Plate 26, no.371, 2002.
5. Al-Pabbfn, Ali b.Ibrahim, The Inscription of Zuhayr, the Oldest Islamic Inscription (24.AH/644.AD), the Rise of the Arabic Script and the Nature of the Early Islamic State, Translated by Hoyland, Arabian Archeology and Epigraphy, 19: pp.137-210
6. Azami, Muhammad Mustafa, The Method of Criticism among the Muhaddithin, Its Origins and History, Maktabah al-Kawthar, Sausi Arabia: 3rd Edition, 1410 A.H.
7. Badawi, Abd al-Rahman, Encyclopedia of Orientalism, Dar El Ilm Lilmalayin, Beirut: 3rd Edition, 1993.
8. Berg, Herber, "Competing Paradigms in Islamic Origins Quran 15:89-91 and the Value of Isnads", in: Herbert Berg (ed). Method and They in the Study of Islamic Origins, Brill, Leiden, 2003.
9. Darwaysh, Francois, Umayyad Era Qurans, An Introduction to the Oldest Versions of Quran, Translated by: Murtaza Kariminia and Ala, Vahidnia, Hermes Publications, Tehran: 2015.
10. Donner, Fred M, Narratives of Islamic Origins: The Beginnings of Islamic Historical Writing, THE DARWIN PRESS, INC. PRINCETON, NEW JERSEY, 1998.
11. Graham William, "Remarks on the Book of Quranic Studies", Translated by Murtaza Kariminia, Ayineh Pazohish, 11th Year, 2018, No. 65.
12. Gregor Shoveler, The Biography of Muhammad: Nature and Authenticity, Translated by Uwe Vagelpohi, edited by James E.Montgomery, London: Routledge: pp.14-15, 2011.



13. Herbert Berg, The Development of Exegesis in Early Islam: The Authenticity of Muslim literature from the Formative Period,
14. Ibn Nadim al-Baghdadi, Muhammad bin Ishaq, Book of Al-Fihrist, Research: Reza Todajjud, Tehran: 1971.
15. Ibn Warraq, The Quest for the Historical Muhammad, Amherst, NY; Raven, "Sira" In EI2, 2000b.
16. Kariminia, Murtaza, Studying Biography in the West, Compiled and Edited by World Assembly of Approximation of Islamic Sects, Qom: 2007.
17. Katsh, Abraham I, Judaism and the Koran: Biblical and Talmudic Backgrounds of the Koran and its Commentaries, New York, 1962.
18. Muhammad Nasir, Muhammad Nasreen, Legacy of Prejudice: Contemporary Orientalists and Their Misconceptions About the Quran, Translation: Hoda Shafiei Shakib, Institute for the Study of Relations between Islam and the West, Qom: 2013.
19. Nevo, Yehuda and Koren, Judith, "Methodological Approaches to Islamic Studies," Der Islam 68: 87-107, 1991.
20. Nilsaz, Nusrat, "Examination and Criticism of Wensborough's View on the Final Establishment of the Text of the Quran", Articles and Studies, Vol. 88, Summer 2018.
21. Nilsaz, Nusrat, "Review of the Quran in Its Historical Context", Quran and Hadith Book Criticism Magazine, 2nd Year, No. 5, 2016.
22. Ohlig, "Wieso dunkle Anfänge des Islam?" in Die dunklen Anfänge: Neue Forschungen zur Entstehung und frühen Geschichte des Islam, Ohlig & puin(ed.), n.pl.
23. Part, Rudy, Arabic and Islamic Studies in German Universities: The German Orientalists since Theodore Noldeke, Translated by: Mustafa Mahir, Al-Hayah al-Misriyyah li al-Kutub (Al-Qousi Translation Center), Cairo: 2011.
24. Rafiei, Muhammad Hossein, "Biographical Studies in the West, with Emphasis on Studies on the Validity and Authenticity of Hadith in the Islamic Tradition", Journal of Islamic History Studies, Year 5, No. 19, 2013.
25. Rafiei, Muhammad Hossein, "Fragments of Islamology (4) Islamology in the West (1): Review of Robert Hoyland's Works", Ayineh Pozohish, No. 148, September and October 2014.



26. Rezaei Haftader, Hassan, "Analysis and Criticism of John Bertan's Opinions on the Compilation of the Quran", Studies of the Quran and Hadith, 2nd Year, 1st Issue, Fall and Winter 2008.
27. Richmond, Surrey; idem, "Competing Paradigms in the Study of Islamic Origins: Quran 15:89-91 and the Value of Isnads" in Method and Theory in the Study of Islamic Origins, Leiden: Brill.
28. Robert Hoyland, Seeing Islam as Others Saw It, Princeton, n.1, p.668, 1997.
29. Sa'eed, Abdullah, Introduction to the Quran, Translated by Sa'eed Shafiei, Hekmat Publications, Tehran: 2018.
30. Sadiqi, Behnam g Goudaezi, Mohsin, "San' a' 1 and the Origins of the Quran, Der Islam, Bd. 87, S. 1-129, 2012.
31. Schoeler, Gregor, "Foundations for A New Biography of Muhammad: The Production and Evaluation of the Corpus of Traditions from Urwah b.Al-Zumayr". In: Herbert Berg, (ed), Method and Theory in the Study of Islamic Origins, Brill, Leiden, 2003.
32. Schuler, Grigore, Oral and Written in the First Islamic Centuries, Translated by Nusrat Nilsaz, Hekmat, Tehran: 2013.
33. Segovia, Carlos A. and Basil Lourié, eds, The Coming of the Comforter: When, Where, and to Whom? Studies on the Rise of Islam and Other Various Topics in Memory of John Wansbrough, Orientalia Judaica Christiana 3, NJ: Gorgias Press, 2012.
34. Shafiei, Sa'eed, Contemporary Quranic Studies in the West, A Critical Approach to Modern Revisionist and Skeptic Currents, Tehran University Publishing Institute, Tehran: 2020.
35. Suliman Basheer, Arabs and Others in Early Islam, Studies in Late Antiquity and Early Islam8, 1997.
36. Wansbrough, Joh, Qurānic Studies: Sources and Methods of Scriptural Interpretation, Amherst, New York, 2004.
37. Whelan, Estelle, Forgotten Witness: Evidence for the Early Codification of the Quran, Journal of the American Oriental Society, Vol. 118, Issue 1, January-March, pp. 1-14, 1998.
38. Yehuda Nevo & Judith Koren, "Methodological Approaches to Islamic Studies", Der Islam, V.68, pp.87-107, 1991.